



ایران

حضرت علی^(ع):
هر کس دلسوز خود باشد، به دیگران ظلم نمی‌کند.

غراالحکم/ ج ۵



سخن‌روز

- **صاحب امتیاز:**
خبرگزاری جمهوری اسلامی
- **مدیرعامل مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:**
علی متقیان
- **سر‌دبیر:**
هادی خسروشاهین

- **تلفن:** ۸۸۷۴۱۷۲۰ شماره: ۸۸۷۴۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- **پيامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- **سندوق پستی:** ۵۳۸۸-۵۳۸۷۵-۱۵۸۷۵۰۰ **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
- **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری
- **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷
- **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

نوک تیز پیکان در سینمای ایران به سمت خانواده سنتی است



نقل قول

وقتی از کارکردهای خانواده صحبت می‌کنیم، مواردی مانند حمایت‌های عاطفی، شفافیت، جامعه‌پذیری و حمایت اقتصادی به ذهن می‌آید. در سینما کژکارکردی خانواده با مجموعه‌ای از تمامی مسائلی که ناکارآمد است مانند بروز انواع خشونت فیزیکی و قتل و پنهانکاری و دروغ به تعریف کشیده می‌شود. ما در سینمای ایران فرزندانسی می‌بینیم که تمایل به ماندن در خانواده و جامعه‌پذیری از این طریق را ندارند و ترجیح می‌دهند از این خانه‌ها فرار کنند. بیشتر فیلم‌هایی که در ارتباط با خانواده دیده شده‌اند و خانواده کژکارکرد را به تصویر کشیده‌اند، این کژکارکردی را به نهاد سنت مرتبط دانسته‌اند. برخی فیلم‌ها روایت‌گر خانواده‌های مدرنی هستند که از تفکر سنتی رنج می‌برند: والدین متعصب و کنترل‌گر دارند. نوک تیزپیکان در سینمای ایران به سمت خانواده سنتی گرفته شده است.

از صحبت‌های بهار محمودی، جامعه‌شناس در موزه سینما



درنگی بر فصل چهارم زخم کاری

وقتی ضد قهرمان‌ها شاخ می‌شوند

یادداشت

محمد جلیلود

منتقد سینما

سریال‌های محبوب و پرپسندۀ عموماً یک وجه اشتراک دارند که آن هم تولید سری‌های بعدی است. این موضوع نیز چالش‌هایی را برایشان به وجود می‌آورد که مهم‌ترین آن مربوط به فیلمنامه است. انتخاب قصه‌هایی جذاب که موفقیت سری نخست را تضمین کرده و در عین حال تماشاگران تازه‌تری هم به این جمع اضافه می‌کند. اما این چالش که گاه به ناچیزی درخشان منتهی شده، اغلب چندان دندانگیر از آب درنیامده و تماشاگر را ناگزیر به مقایسه سری اول با سری‌های بعدی می‌کند. سریال زخم کاری ساخته محمد حسین مهدویان از معدود سریال‌های ایرانی است که تولید آن به فصل چهارم رسیده و این روزها در حال پخش از پلتفرم فیلمو است. سریالی با قصه‌ای جذاب که براساس کتاب بیست زخم کاری نوشته دکتر محمود حسینی‌زاد ساخته شده و سری نخست آن نیز بشدت مورد توجه قرار گرفت. مهدویان فصل‌های دوم و سوم را برپایه اتفاق‌ها و شخصیت‌های اصلی سری اول ساخته و حاصل کارش هم مورد توجه تماشاگران قرار گرفته است.

فصل چهارم زخم کاری که مجازات نامگذاری شده و اقتباسی آزاد از شاهکار ویلیام شکسپیر «اتللو» به حساب می‌آید، پایانی بر ماجرای مالک به عنوان شخصیت محوری و آدم‌های اطرافش به حساب می‌آید. فصلی که در آن مالک به دنبال آرامش بوده و می‌خواهد از داشته‌هایی که به خون آغشته است، برای رسیدن به آن بهره ببرد. تم اصلی فیلمنامه مجازات، انتقام است که نقشی کلیدی در شکل‌گیری داستان داشته و سرنوشت شخصیت‌ها را به یکدیگر پیوند می‌زند. مجموعه اتفاق‌هایی که در سه قسمت نخست روی می‌دهد، پیش‌درآمدی برای اوج‌گیری آن در قسمت‌های چهارم تا هفتم به حساب می‌آید. آن هم بعد از یک نقطه عطف درخشان که چیزی جز آمدن پدر سیما به عروسی دخترش با مالک نیست: عطفی که گرهی بزرگ به داستان انداخته و نقشه سمیرا و پانی برای از بین بردن مالک را در متن داستان قرار می‌دهد. دوزخ‌خورده مالک که برای انتقام از اودست به هر ترفندی می‌زنند. در نقطه مقابل نیز مالک برای پی بردن به هویت آدم‌هایی که پشت ماجرا هستند، به آب و آتش می‌زند. به این ترتیب دو قطب اصلی که هر دو هم بشدت خاکستری هستند، در برابر یکدیگر قرار گرفته و درام شکل می‌گیرد. با رفتن سمیرا و سیما همراه هادی و چند نفر دیگر از اعضای هلدینگ به نروژ، نقشه یاد شده وارد مرحله اجرایی شده و سر به هوا بودن سیما نیز به اجرای آن کمک شایانی می‌کند. عدم ملاقات گروه با طرف نروژی و به میان کشیده شدن پای علیرزاده در مقام رقیب تجاری به ماجرا، عطف دیگری را رقم زده و پیچ خوبی به قصه می‌دهد. موضوعی که زمینه را برای ورود پر قدرت



تم اصلی

فصل چهارم

«زخم کاری»،

انتقام است که

نقشی کلیدی

در شکل‌گیری

داستان داشته

و سرنوشت

شخصیت‌ها

را به یکدیگر

پیوند می‌زند

مالک که قرارداد باز کرده و روی شخصیت همچنان مقتدر او تأکید می‌کند. از طرف دیگر قصه‌های فرعی در سریال‌هایی از جنس زخم کاری که در فصل‌های متعدد روایت می‌شوند، نقشی کلیدی داشته و سری چهارم سریال نیز از این قاعده مستثنی نیست. برای نمونه می‌توان به داستان فرعی هادی و نامزدش اشاره کرد که پای برادر دختر را به قصه باز کرده و نقطه عطفی را در محل گاری سیما در شمال رقم می‌زند. داستانتک مربوط به کارگر خانۀزاد سیما هم که شوهری معتاد دارد، خوب از کار درآمده و نقش مهمی در پیشبرد کار ایفا می‌کند. کشته شدن پدر سیما در آسایشگاه روانی که شکل طبیعی هم به آن داده شده، نقطه عطف دیگر کار است که پیچ خوبی به فیلمنامه داده و به موش و گربه‌بازی دو سمت ماجرا عمق بیشتری می‌دهد. لو رفتن ماجرای کشته شدن قلابی اسپاد هم گره دیگری به قصه زده و پانی را به دختران مسعود طلوعی می‌رساند. به این ترتیب قطب ضد قهرمان قوی‌تر از قبل شده و تماشاگر را در بیم و امید نسبت به فرجام کار مالک و نیز سیما قرار می‌دهد.

مهدویان به رسم سری‌های قبلی زخم‌کاری، بخشی از کار را به فلاش‌بک‌ها اختصاص داده که طی آن گذشته شخصیت‌ها تا حدود زیادی روشن می‌شود. آن هم در شروع هر قسمت که حکم یک ورودی را داشته و جذاب از کار درآمده است. برای مثال می‌توان به گذشته سیما اشاره کرد که در فلاش‌بک‌ها تکلیفش مشخص شده و روی رابطه قدیمی‌اش با مالک و سمیرا نیز تأکید می‌شود. بخشی از گذشته هادی و رفاقت مالک با پدرش هم در این فلاش‌بک‌ها شکل گرفته و به



اعتماد مالک نسبت به او رنگ و بوی بهتری می‌بخشد. از طرف دیگر، بهم ریختگی ذهنی مالک هم ایده خوبی برای تعب زدن به لایه‌های درونی او بوده که نور روی تاریکی‌های ذهن مالک می‌اندازد. برای مثال هم می‌توان به برخوردش با اخوان، مرد معتاد به شیشه و در نهایت نجفی اشاره کرد که هر سه توسط و یا به دستور خود او به قتل رسیده‌اند. موضوعی که تم اخلاقی زخم کاری چهار را پررنگ کرده و بحث تاوان را پیش می‌کشد.

عکس نوشت



گاهی تقارن برخی رخدادها، پیوند دلنشین ایجاد می‌کند. گاهی برخی حضورها، احضار خاطره‌ای مشترک است، همچون حضور استاد بهزاد فراهرانی هنرمند پیشکسوت تئاتر و سینما که تولد هشتادسالگی‌اش با تولد سی و یک سالگی روزنامه ایران همراه شد و خاطره‌ای دلنشین در یک عصر زمستانی و در حافظه روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران ثبت کرد. صمیمت و صفا و شوخ طبعی استاد فراهرانی، شور و نشاطی به فضای روزنامه دمید که روایتی از لمس زندگی بود. چنان فردون و متواضع که انگار پدری دانا در جمع فرزندان خود نشستند و کب می‌زند. همکاران تحریریه بخش از هنر ایران زمین گرد آمده بودند و یک دوهمی صمیمانه را در کنار استاد تجربه کردند. کلامش گرم بود و حضورش دلگرم‌کننده. در روزگار فراموشی‌ها و خاموشی‌ها، حضور گرم بهزاد فراهرانی درهشتاد سالگی‌اش چنان پرشور بود که بار دیگر ثابت کرد دود از کنده بلند می‌شود. سایه‌اش مستدام.



استادی که

به احترامش

ایستادیم

دیدگاه

هنر بدون مخاطب عقیم است

بخش مهمی از تولیدات علوم پایه و محض، در بدو امر، هیچ کاربرد عملی یا صنعتی و اقتصادی ندارند. بنابراین عملاً از حمایت و پشتیبانی بازار و تجارت برخوردار نیستند. چه‌بسا

جذابیتی هم برای همگان نداشته باشند، اما همین دستاوردها با ورود به معادلات تولیدی و صنعتی و کاربرد مودرتوجه سرمایه‌گذاران و کاربران قرار می‌گیرد. بسیاری از اختراعات و کشفیات، پیش از آن که کاربردی در صنعت و تولید پیدا کنند، بیشتر بازی با اعداد و سرگرمی‌های شیمی، فیزیک و... به شمار می‌آیند، در حالی که بعدها موجب تحولات شگرف فنی و تکنولوژیک می‌شدند. برخی از یافته‌ها و نظریات علوم انسانی، پیش از آنکه منشأ تصمیمات و تحولات اجتماعی باشند، نقشی فراتر از تفنن‌های زبانی بیوهده نداشتند.

۱

سعید فلاح‌فر

پژوهشگر هنر

۲

پدیده‌های نوینی مثل صنعت فوتبال، صنعت سینما، صنعت رسانه و... بدون تماشاجی بی‌معنا می‌شوند و این بی‌معنایی تنها به قطع رابطه اقتصادی و کسب درآمد محدود نمی‌شود.



حتی با تأمین این قسم از آورده‌های اقتصادی، باز هم فوتبال و سینما و رسانه بدون انبوه فعال تماشاجی از معنا و هویت فعلی و ذاتی خود تهی می‌شوند. معلوم است که حضور تماشاجی‌ها با ترکیبات متفاوت باعث تغییر نتایج بازی و نحوه بازی فوتبال‌یست‌ها می‌شود. به اضافه حضور می‌توان هیجان استادبوم‌های مملو از جمعیت را جدای از ذات فوتبال داشت؟ بخش صنعتی و بازاری شده سایر هنرها، اعم از موسیقی، نقاشی و... هم می‌تواند شامل این وضعیت باشد. یعنی این دست هنرها بدون وجود مخاطب، غیر از خسارات مالی و رکود اقتصادی، از معنا و جایگاه فعلی خود دور می‌افتند و نه تنها سیر تکاملی مورد انتظار را طی نمی‌کنند، بلکه در معرض بی‌معنایی، نقص اثر، نابودی احتمالی یا حداقل سکون و سکوت شبیه به نابودی قرار می‌گیرند. در هنر معاصر کمتر می‌توان سراغ از استثنائات هنری گرفت که بدون تعامل و مواجهه با مخاطب، کامل باشند. همان چیزی که ویرتین‌های مرده و انبارهای تاریک موزه‌های تاریخی و هنری را از سالن‌های نمایش زنده و پویا جدا می‌کند.

۳

از تلفیق دو گزاره بالا می‌توان نتیجه گرفت: هنر هم مثل علوم محض می‌تواند وابستگی‌های حیاتی با کاربرد و بخش صنعتی‌شده خود داشته باشد که مرگ هر یک، قریب به یقین، منجر به افول و مرگ بخش دیگر خواهد شد و این مرگ الزاماً و تنها یک ورشکستگی اقتصادی نیست، به‌عبارتی با حذف گزینه‌های اقتصادی یا چیران آن، همچنان «مرگ ماهوی» می‌تواند مسأله محوری فرض شود. بنابراین حتی اگر تمامیت «هنر» را به نیازهای امروزی «هنر-صنعت» یا «هنر-سرگرمی» تقلیل داده باشیم، علاوه بر گردش‌های مالی بزرگ، باز هم به رابطه مخاطب در هر دو نگرش هنر محض و هنر کاربردی و اقتصادی نیازمندیم. تا جایی که مجبور به این اعتراف خواهیم شد: برآیند ارزش‌ها، اندازه‌ها، جایگاه و حیات هنر، پیش از آنکه مدیون خلاقیت‌های فردی هنرمند باشد، مشروط به خواست و نیاز و سطح ادراک مخاطب یا در فهم جمعی مخاطبین تعریف و محقق می‌شود.